

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: شرح زیاده حرام

موضوع: ۹۴۲۴

شماره ثبت کتاب: ۲۲۴۹۲

۹۸۹۸

۱۳۰۹

کتابخانه مجلس شورای ملی

۶۶۶۶



۲۲۴۹۱

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: شرح زیاده حرام

موضوع: ۹۴۲۴

شماره ثبت کتاب: ۲۲۴۹۲

۹۸۹۸

۱۳۰۹

رحان سعیدی

طاهر

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: شرح زیاده حرام

موضوع: ۹۴۲۴

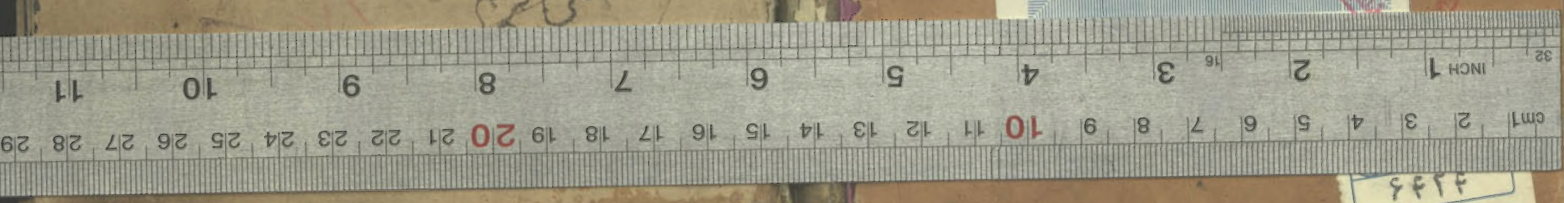
شماره ثبت کتاب: ۲۲۴۹۲

۹۸۹۸

۱۳۰۹

کتابخانه مجلس شورای ملی

۶۶۶۶



۲۲۴۹۱

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: شرح زیاده حرام

موضوع: ۹۴۲۴

شماره ثبت کتاب: ۲۲۴۹۲

۹۸۹۸

۱۳۰۹

رحان سعیدی

طاهر

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتابخانه مجلس شورای ملی

[illegible]

سرایه
ص

[illegible][illegible]

مذہب

2

2929

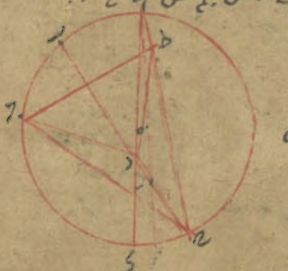
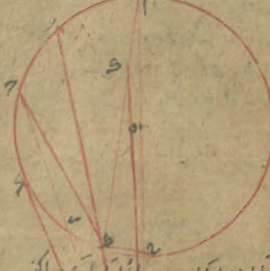
و بهر مثل اینسان نماند؛ لکن اگر استند کردیم بر اینستند مندی یا بعدی یا با سایر میزادتی
این علم و این اعمال که تعلوق یا استخراج مواضع کوکب دارد نیز نه از اول و لکن هیات افلاک از اول
کرده شد علی الجمال و تا بنیاد دلیل بر ما فخذ آن افلاک و در ایشان آن و با سایر اسرار و در او بلیک
موضع کوکب عجب آن افلاک که او را است کرده باشیم در هر وقت چگونه شناسند یا بر احاطه
که آن مجموع حرکات افلاک از کوکب باطله ازین آید و آن احاطه فاعله را تعلیل اصل عمل نمیداند و اینها
بجود نفی آن که از هر دلیل آن اعمال که در کتب بعضی مشغول شویم بعد از آنکه در اول این کتاب
بیان کردیم. باشیم اصولی را که حرکات کوکب یا قیاس از اصول در هر جزء متعارف یا شناسد اما همان
اصول اصفهان کند که نسبت به ما آن حرکات مختلف نماید چه حرکات مادی واجب است که هر یک
نوع باشد از جهت و در مقدار حامل در علوم و دیگر هر چه است که در رجعت و استقامت و بطور
و سرعت و توقف و بعضی کوکب است مادی که میسر است بدان آن حرکات باید که مستطام باشند
با اصول دیگر و بعد از آنکه از استخراج مواضع و غیر بر این بر اعمال آن با سایر مواضع شدند
باشیم گفت و عرض خود بی و طریق تسبیح آن بیان کنیم تا اگر در بعضی انجام قبول لیا سنجی
احاطه واضح شود باشد بعد از آنکه در وقت و تاریخ گویند باشیم جهت و سعی آن در شناسند و همچنین
اگر در موضع بر این اصل هوا علمی افتاد باشد بدان نیز اشارت کنیم و بهر چند شیوه در
چنین کار بی خطر است که هر کسی در این معانی حاشیه نوشتند لبث یا با ما میسر و فلیک شرح
لترجمه مخاطب است و تحصیل این جنس عرض مطهر عرض خویش بودن و خود را بر این سهام
طعام کردن باشد چه غایت افکار و نهایت افکار حدیثی بر سر افکارا که بوده اند و در بعضی
و بعد از او بدو ترتیب یاد کی ما سبل و تبیین سبل و وجه ما فخذ آن سمت نقش بر قلب
دارد و اگر کسی را آن را همین تاریخ از اصل وضع ما فخذ بود باشد موقوف آید بر تسبیح
و نه احتیاج علی آن کار یا بر مقتضای خطوط الحاصل و بعد از آنکه بود الا در بعضی مواضع که در استخراج
آن یا مبادی صنعت معتبر باشد یا مبادی عرض افلاک از آن نشان افتاد باشد یا بعضی مواضع خاص
است بر آوردن آن نشانه و نشانی بر افکار آن بقصد اگر بیافعت منزه خود را بر همه حاکم
تا لبث آورد و نقد بنویسد چه را بر اینا بر بصیرت خود کند تا از کبر بشنود اینها یا این متروک دارد
بر این اعتماد و اندوخته تاریخ که هر مواضع باشد تا بنیاد یا اصلاح از آن را نمایند پس سبل مشغول
بجستن شغل خطی را بر این که در وضع پیدا آمد و چون مواضع است که هر یک از آنها که
مردود شده و باز است و مواضع زیاد است و در دست داد از آن مواضع و تاریخ آن را که در دست
امید تغییر نظر را به این مواضع از بعضی مسکوک کرده و سایر را به این مواضع و

چون با ثواب نیست از عند همین محل است و اگر بعضی از این با بعضی نیست از عند
همین محل است که می باید بعد از آن که قرآن آورده باشند پس مانند آنچه مشرق مایل می شود
حرکت از سطح تکریم و اما حرکت ثوابت مالت ذات الحلق معلوم می شود چنانکه در
اولی قال یعنی آن حرکت نیست است و چون این حرکت مختلف اند و کوکب از احوال آن
مشابه نیستند که ماسی در آب تا مجموع کوکب و دیگران که باقی بود که باقی آن در
افعال که در کوز آن حساب میکنیم در آنکه سی تا احوال کلی معلوم است که در فلك دور حرکت
مختلف تواند کرد از این حال نسبت به رات حفت کانه را حفت فلك باید و کوکب تا شبیه
چون مجموع در فلك دور حرکت اند این را با سایر مایل فلك کانی باشد و چون حرکت در
همه احوال را با آنچه در کوز است شامل است پس حرکت باید که مینویسد باشد معلوم
محیط باشد با احوال آن پس باقی فلك مالت گردند که کمتر از این ممکن باشد و اما
عدت معلوم است که کوکب حرکت ثابته از آنکه بعضی تا میان خط از اصولی که بعضی در
حاصل در اولی از فصل است بدان در فلك معلوم شود و آن مقوسه بر آن نسبت
مختلف خواهد بود از این مواضع کوکب در احوال مایل فلك خواهد آمد که نسبتند که از
حرکت بر توالی خواهند حرکت از وی که خلاف توالی بود نسبت از دور معرفت طوابع
اوقات و بعضی نسبت رات حاصل این که معلوم کرد و اما الله تعالی **مفید**
و آن خبر شده که رات اندوگاه از راه با گردند و قدری سر از روز پس از آن
راست و روند **شرح** یعنی از قبل مریخی و زهره و عطارد و دیگران را در آن کاه که
بر استقامت حرکت کنند از مغرب سوی مشرق بر توالی بود حاصل از حمل مثلا شود
روند افکة بکوزا و همچنین بر توبه و کاه از استقامت عدول کنند لغیر از مشرق بطریق
روند بر خلاف توالی مثلا از حمل حرکت روند افکة مذکور و علم خدا و در هر حالت ایشان
راجع گویند بعد از آن که از این استیع شوند یعنی مغرب سوی مشرق روند حاصل از وضع
اولی روند و هرگاه که از استقامت حرکت بر خلاف جهت اولی روند یعنی باشند پس بر توبه
جای مانگی مانند افکة راجع شوند و بعد از آنکه در این قدر از مغرب باشند افکة
روند و نسبت از این اختلاف که از دوری این باشد پس از این که از این مغرب گویند
از این اختلاف است که نسبت بر توبه و کاه و جهت مغرب دیگر در کاه سایر احوال
باشد و آن چنان بود که در حال استقامت حرکت از آن کاه معلوم تر باشد که سایر
حال جهت مغرب را اما اوقات و ماه و زهره و عطارد و دیگران مایل و از این اختلاف

357

[illegible]

لکن اب ملکہ است پس قطعہ او اعطای شد
از قطعہ ج میں نوح احد اکثرین طاقست
ج و وسط و کل کہیں قطعہ ج طاقست
ج باندہ و و دسترگت و راہ و طاقست
سایر راہ و ج دست ازہر اکثرین است
ساو اکثرین ج است پس ملکہ جان او
قالہ اولی او کماک افعدس اصلا

[illegible]

چشم او خیره
روان طایفه
امشب معروض
مذکور در ادب
ظرف حادک
روان در ادب
و ادب از ساری
اند سود

ط
ط

[illegible]

١٢

[illegible][illegible][illegible][illegible]

مجلس

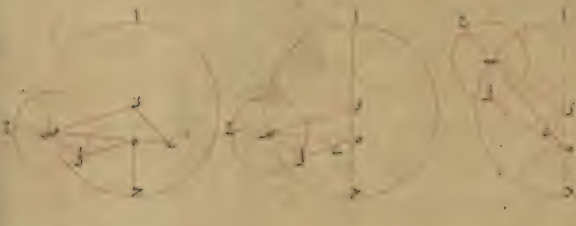
١٠٠
 ١٠١
 ١٠٢
 ١٠٣
 ١٠٤
 ١٠٥
 ١٠٦
 ١٠٧
 ١٠٨
 ١٠٩
 ١١٠
 ١١١
 ١١٢
 ١١٣
 ١١٤
 ١١٥
 ١١٦
 ١١٧
 ١١٨
 ١١٩
 ١٢٠
 ١٢١
 ١٢٢
 ١٢٣
 ١٢٤
 ١٢٥
 ١٢٦
 ١٢٧
 ١٢٨
 ١٢٩
 ١٣٠
 ١٣١
 ١٣٢
 ١٣٣
 ١٣٤
 ١٣٥
 ١٣٦
 ١٣٧
 ١٣٨
 ١٣٩
 ١٤٠
 ١٤١
 ١٤٢
 ١٤٣
 ١٤٤
 ١٤٥
 ١٤٦
 ١٤٧
 ١٤٨
 ١٤٩
 ١٥٠
 ١٥١
 ١٥٢
 ١٥٣
 ١٥٤
 ١٥٥
 ١٥٦
 ١٥٧
 ١٥٨
 ١٥٩
 ١٦٠
 ١٦١
 ١٦٢
 ١٦٣
 ١٦٤
 ١٦٥
 ١٦٦
 ١٦٧
 ١٦٨
 ١٦٩
 ١٧٠
 ١٧١
 ١٧٢
 ١٧٣
 ١٧٤
 ١٧٥
 ١٧٦
 ١٧٧
 ١٧٨
 ١٧٩
 ١٨٠
 ١٨١
 ١٨٢
 ١٨٣
 ١٨٤
 ١٨٥
 ١٨٦
 ١٨٧
 ١٨٨
 ١٨٩
 ١٩٠
 ١٩١
 ١٩٢
 ١٩٣
 ١٩٤
 ١٩٥
 ١٩٦
 ١٩٧
 ١٩٨
 ١٩٩
 ٢٠٠

[illegible]

321

[illegible][illegible]

و این مقدار را نصف قطره و برین دو اصل صحت و کمال را می یابد و این مقدار را با آن معلوم
و چون در داشت که برین صفت را در اصل معلوم شود برین منوال که گفته شد و بعد از آن معلوم شود
و بعد از آن معلوم شود و این مقدار را با آن معلوم شود و این مقدار را با آن معلوم شود



و از آن که در علم است خطه الی این که می یابد و برین دو اصل صحت و کمال را می یابد و این مقدار را با آن معلوم
و چون در داشت که برین صفت را در اصل معلوم شود برین منوال که گفته شد و بعد از آن معلوم شود
و بعد از آن معلوم شود و این مقدار را با آن معلوم شود و این مقدار را با آن معلوم شود

و این مقدار را نصف قطره و برین دو اصل صحت و کمال را می یابد و این مقدار را با آن معلوم
و چون در داشت که برین صفت را در اصل معلوم شود برین منوال که گفته شد و بعد از آن معلوم شود
و بعد از آن معلوم شود و این مقدار را با آن معلوم شود و این مقدار را با آن معلوم شود



و از آن که در علم است خطه الی این که می یابد و برین دو اصل صحت و کمال را می یابد و این مقدار را با آن معلوم
و چون در داشت که برین صفت را در اصل معلوم شود برین منوال که گفته شد و بعد از آن معلوم شود
و بعد از آن معلوم شود و این مقدار را با آن معلوم شود و این مقدار را با آن معلوم شود

و این مقدار را نصف قطره و برین دو اصل صحت و کمال را می یابد و این مقدار را با آن معلوم
و چون در داشت که برین صفت را در اصل معلوم شود برین منوال که گفته شد و بعد از آن معلوم شود
و بعد از آن معلوم شود و این مقدار را با آن معلوم شود و این مقدار را با آن معلوم شود

و این مقدار را نصف قطره و برین دو اصل صحت و کمال را می یابد و این مقدار را با آن معلوم
و چون در داشت که برین صفت را در اصل معلوم شود برین منوال که گفته شد و بعد از آن معلوم شود
و بعد از آن معلوم شود و این مقدار را با آن معلوم شود و این مقدار را با آن معلوم شود

حقیقتی علامت شده و اما اگر علامت در خواص هم بود منتفی بود و من عرض می نمودم که اگر بعضی از اینها
عمر نهانی بودی و اگر بعضی هم در حقیقت با اوج خاصه مندرج در عقیده لغت فاسد اعانتی کردی اگر چه در عقیده
منتفی بود و من عرض می نمودم که اگر بعضی از اینها در عقیده در عقیده در عقیده لغت فاسد اعانتی کردی اگر چه در عقیده
فاسد بود و من عرض می نمودم که اگر بعضی از اینها در عقیده در عقیده لغت فاسد اعانتی کردی اگر چه در عقیده
عرض می نمودم که اگر بعضی از اینها در عقیده در عقیده لغت فاسد اعانتی کردی اگر چه در عقیده
مکمل از هر نظر و من عرض می نمودم که اگر بعضی از اینها در عقیده در عقیده لغت فاسد اعانتی کردی اگر چه در عقیده
بجای آن که در عقیده در عقیده لغت فاسد اعانتی کردی اگر چه در عقیده
و جمیع اشیا را به قبول می نمودم و من عرض می نمودم که اگر بعضی از اینها در عقیده در عقیده لغت فاسد اعانتی کردی اگر چه در عقیده
است و قبول می نمودم و من عرض می نمودم که اگر بعضی از اینها در عقیده در عقیده لغت فاسد اعانتی کردی اگر چه در عقیده
از این و در عقیده در عقیده لغت فاسد اعانتی کردی اگر چه در عقیده
عوض می نمودم و من عرض می نمودم که اگر بعضی از اینها در عقیده در عقیده لغت فاسد اعانتی کردی اگر چه در عقیده
تفاوت در مقدار می نمودم و من عرض می نمودم که اگر بعضی از اینها در عقیده در عقیده لغت فاسد اعانتی کردی اگر چه در عقیده
اینست که در عقیده در عقیده لغت فاسد اعانتی کردی اگر چه در عقیده
در احوال و عقیده در عقیده لغت فاسد اعانتی کردی اگر چه در عقیده
در این و در عقیده در عقیده لغت فاسد اعانتی کردی اگر چه در عقیده
و سابقین که در عقیده در عقیده لغت فاسد اعانتی کردی اگر چه در عقیده
لا یحییان من غیر من می اندر که در عقیده در عقیده لغت فاسد اعانتی کردی اگر چه در عقیده
دو جهت است که در عقیده در عقیده لغت فاسد اعانتی کردی اگر چه در عقیده
الحاق عقیده در این و در عقیده در عقیده لغت فاسد اعانتی کردی اگر چه در عقیده
بنسبتی که در عقیده در عقیده لغت فاسد اعانتی کردی اگر چه در عقیده
مقادیر و تفاوت می نمودم و من عرض می نمودم که اگر بعضی از اینها در عقیده در عقیده لغت فاسد اعانتی کردی اگر چه در عقیده
بطریق که در عقیده در عقیده لغت فاسد اعانتی کردی اگر چه در عقیده
عروض می نمودم و من عرض می نمودم که اگر بعضی از اینها در عقیده در عقیده لغت فاسد اعانتی کردی اگر چه در عقیده
اوج در حقیقتی نمی باشد که اگر بعضی از اینها در عقیده در عقیده لغت فاسد اعانتی کردی اگر چه در عقیده
است که در عقیده در عقیده لغت فاسد اعانتی کردی اگر چه در عقیده
در حقیقتی که در عقیده در عقیده لغت فاسد اعانتی کردی اگر چه در عقیده

[illegible][illegible][illegible]

[illegible][illegible]

190

209

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على
 سيدنا محمد وآله
 وبعد
 انما هذا كتاب
 في بيان بعض
 احوالنا
 في هذه
 السنين
 التي مضت
 من
 سنة
 ١٢٨٠
 الى
 سنة
 ١٢٨٤
 هـ
 والحمد لله
 رب العالمين

مجلد ۱۰۰

